

International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS ۲۰۲۱)

Characteristics of jihadi management in the school of Martyr Haj Qasem Soleimani

Z Alimardani *

J Pourkarimi **

Abstract

Jihadi management is a movement, effort and struggle that is carried out with divine motivation, with tact and prudence, but with a firm and militant determination to get rid of challenges and problems (internal and external) in the overall growth and development of the country. During the holy defense, unique and lasting epics were seen and the Supreme Leader has repeatedly mentioned it as a model of effective jihadi management to solve the country's problems. One of the most important achievements of this glorious period was the spread of the culture of resistance and resistance against arrogance by relying on jihadi management. Therefore, the purpose of this study is to explain the components of jihadi management in the school of Shahid Ghasem Soleimani.

With regard to these cases, this study has been written with the aim of determining "characteristics of jihadi management in the school of Martyr Haj Ghasem Soleimani" which by examining the library in the biography, lectures, notes and will of Martyr Ghasem Soleimani, four management indicators With social-cultural, doctrinal-moral, intellectual-visionary and field-operational titles and characteristics; Were identified and finally it was concluded that in the current situation and in the face of sanctions for the realization of the second step of the Islamic Revolution, by identifying the components of jihadi management identified in this study in the light of Shahid Soleimani school, we can achieve mujahedeen achievements. Let's take a step, General Qassem Soleimani.

Keywords: Management, Jihad, Jihadi Management, Components, Martyr Ghasem Soleimani

* Master of Education Management and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Iran

zohreh.alimardani@ut.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

(Responsible author jpkarimi@ut.ac.ir)

مشخصه‌های مدیریت جهادی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی

جواد پور کریمی **

زهره علیمردانی *

چکیده

مدیریت جهادی حرکت، تلاش و مبارزه‌ای است که بانگیزه الهی، توأم با درایت و تدبیر، با عزمی راسخ و مجاهدانه برای رهایی از چالش‌ها و مشکلات (درونی بیرونی) در رشد و توسعه همه‌جانبه کشور صورت می‌گیرد. در دوران دفاع مقدس حماسه‌های بی‌نظیر و ماندگار دیده شد و مقام معظم رهبری بارها از آن به‌عنوان الگوی مدیریت جهادی مؤثر برای حل مشکلات کشور نام برده‌اند.

این پژوهش باهدف تعیین "مشخصه‌های مدیریت جهادی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی" به رشته تحریر درآمده است که با بررسی کتابخانه‌ای در زندگینامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی، چهار شاخص مدیریتی با عناوین و مشخصه‌های اجتماعی- فرهنگی، اعتقادی- اخلاقی، تفکری- بینشی و میدانی- عملیاتی؛ شناسایی شدند و درنهایت نتیجه گرفته شد که در شرایط کنونی و در مقابله با تحریم‌ها برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی، با شناسایی این مؤلفه‌ها می‌توانیم برای به حقیقت پیوستن دستاوردهای مجاهدانه سپهبد قاسم سلیمانی قدمی برداریم.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، جهاد، مدیریت جهادی، مؤلفه‌ها، شهید قاسم سلیمانی

* کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران

zohreh.alimardani@ut.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(نویسنده مسئول jpkarimi@ut.ac.ir)

مقدمه

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده که در برابرش بهشت برای آنان باشد؛ به این گونه که در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت بادبر شما، به دادوستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ (سوره توبه، آیه ۱۱).

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، ما در یک موقعیت تاریخی خاصی قرار داریم که در آن انقلاب اسلامی از گام اول به گام دوم گذر می‌کند و باید برای این گام دوم طراحی داشته باشیم. در برهه‌ای قرار داریم که موعد ارزش‌گذاری دستاوردهای انقلاب اسلامی رسیده است. در چنین زمانی که دستاوردهای انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود، شهادت معجزه گونه سردار قاسم سلیمانی واقعاً یک نقطه عطف است، چون برجسته‌ترین قله دستاوردهای انسانی و معنوی چهل سال اول انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد؛ انسانی که تا بالاترین سطوح قابل‌تصور توانسته طی طریق کند. شهادت شهید سلیمانی نشان داد که قلمرو اثر او از ایران و حتی جهان شیعه و اسلام فراتر رفته است. به فرموده رهبری او و دیگر سربازان انقلاب اسلامی هر جایی که امر مقدسی در خطر است و یا ظلمی صورت می‌گیرد، وارد می‌شوند. یعنی گستره حضور ما هر جایی است که ارزش‌های کلیدی «قداست» و «عدالت» به خطر بیافتد (علم الهدی، ۱۳۹۸).

نظام ارزشی اسلام به انسان می‌آموزد که رفتارهای خود را به گونه‌ای سامان دهد که بر اثر انجام آن‌ها، آدمی به خداوند متعال نزدیک شود و کمالات معنوی و ارزش‌های والای الهی را به دست آورد. انجام کارها در عرصه مدیریت نیز مشمول همین قاعده خواهد بود. از این رو «مدیر جهادی» مردم را بنده و مخلوق خداوند می‌داند و خدمت به آن‌ها را عبادت می‌شمرد. در ضمن مدیریت که دارای تفکر جهادی است، تمام هم و غم خویش را رضایت الهی می‌داند و به دنبال مطرح کردن خویش و کسب شهرت و مقام نیست. فرد جهادگر هر چه به خدا نزدیک‌تر شده و جهاد خود را ناب و خالص برای خدا انجام دهد، اکسیر جهاد او نیز ناب‌تر و کمیاب‌تر می‌شود و بالعکس

(فیروز آبادی، ۱۳۹۰).

جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت نظام استکبارستیز خود همواره با توطئه‌ها و خباثت‌های بین‌المللی مستکبران و برخی کشورهای وابسته منطقه روبه‌رو است؛ از همین رو سبک و الگوی مدیریتی مورد نیاز این نظام باید بتواند بر چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همانند معماری تحریم‌های فلج‌کننده و گروه‌های نیابتی تروریستی منطقه غلبه کند. عملکرد مدیران عالی کشور هر زمان که در عمل (و نه فقط شعار) منطبق بر آرمان‌های انقلاب و عقلانیت دینی بوده، (همچون شهید سلیمانی) توانسته است ضمن فائق آمدن بر مشکلات و توطئه‌ها با جامعه خود نیز به‌خوبی ارتباط برقرار کند و اعتماد عمومی حاکمیت و مردم را در وضعیت مناسبی قرار دهد (محمد ظاهری، ۱۳۹۹).

جامعه اسلامی ایران از پیروزی انقلاب و به‌ویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن، فرماندهان و مدیران لایقی به خود دیده است که همواره سعی در اجرای اصول فرماندهی و مدیریت اسلامی در جامعه داشته‌اند و مدیریت جهادی به‌عنوان الگو و مظهر برای آنان قلمداد می‌شده است، تدوین مکتب این‌گونه فرماندهان و مدیران اهمیت به‌سزایی دارد و باعث الگوگیری دیگر فرماندهان و مدیران در به‌کارگیری مفهوم مدیریت جهادی در سبک زندگی سازمانی خواهد شد. با توجه به اینکه واژه جهاد به‌طور مکرر در قرآن کریم آمده است، سبب می‌شود تا با تلاش و آگاهی بیشتری طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی را به این سو بکشانیم. لذا در این پژوهش به بررسی سیره و مکتب مدیریت جهادی در پرتو مکتب حاج قاسم سلیمانی می‌پردازیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رهبر معظم انقلاب بارها در فرمایش‌های خود به مسئله مدیریت جهادی و در پیش گرفتن این الگوی مدیریتی مطلوب از سوی مسئولان نظام تأکید کرده و آن را به‌عنوان راهکاری برای حل مسائل جامعه مطرح کرده‌اند. ایشان در این باره فرموده‌اند: "با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بدون حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک‌همت جهادی، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای انجام کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). از این رو برنامه‌ریزی تربیتی در گام دوم باید به دنبال شناسایی چگونگی محقق ساختن مکتب امام (ره)، با رویکرد شهید قاسم سلیمانی یعنی «جهاد بدون مرز» باشد. جهاد ما همین

فهمیدن و فهماندن و کشف همین چگونگی‌هاست و این کار «پژوهشگران تربیتی» و «معلمان» است (علم الهدی، ۱۳۹۸).

شهید قاسم سلیمانی بارها می‌گفت: "هر چه دارم از دوران دفاع مقدس است" و می‌دانیم که دوران دفاع مقدس هم، هر چه دارد از قاسم سلیمانی‌هاست و رمز موفقیت، دقیقاً در همین نگاه خالصانه و ارتباط دوطرفه است.

تعریف جهاد و مدیریت جهادی:

جهاد یعنی گذشتن از خود برای رسیدن به تعالی و رشد؛ یعنی فداکاری و مبارزه نه اینکه انسان به دنبال منافع شخصی خود باشد؛ یعنی ارجحیت منافع و مصالح ملی بر منافع فردی و جناحی. از این جهت، مدیریت جهادی می‌تواند کشور را به تعالی اقتصادی و بالندگی فرهنگی و اجتماعی برساند؛ زیرا این نوع مدیریت بر اساس علم و درایت تعریف می‌شود و مدیران در مسیر آن تمام همت و قدرت خود را بر کار و همت متمرکز می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

مدیریت جهادی در واقع نوعی متعالی از مدیریت علمی است که به معنی رشد، متحول کردن، استفاده از فرصت‌ها، برتری بخشیدن یا بالا بردن امور انسانی است و شامل عمل، فراگرد، پیامد یا حالتی است که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید. مدیر مسلمان با در نظر گرفتن الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی به واژه مدیریت؛ تعریف تازه‌ای می‌بخشد و مفهوم مدیریت جهادی را به وجود می‌آورد. بدین ترتیب می‌توان گفت مدیریت جهادی بر اساس نظریه‌پردازی و تولید علم دانشمندان مسلمان شکل می‌گیرد. بنابراین برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی و بدون دخالت بیگانگان و برای رفع مشکلات و تأمین نیازهای مادی و معنوی و رشد و اعتلای جامعه اسلامی باید بتوانیم با خلق دانشی جدید در اداره سازمان و حکومت که بر پایه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی باشد، مدیریت‌های مؤثر و جهادی در نهادهای انقلابی ایجاد نماییم.

مدیریت جهادی مدیریتی است که در مقطع دفاع مقدس به خوبی ظهور و بروز یافته است. مدیریت جهادی، سبک رهبری ایرانی است که با هدایت امام خمینی (ره) توانست به خوبی کشور را از پرتگاه جنگ برهاند و کارایی خود را به خوبی نشان دهد و در واقع آزمون خود را در هشت سال دفاع مقدس انجام داده است. شاید به کارگیری واژه جهاد نشان از یک واقعیت مهم باشد که امروز هم نوع دیگری از جنگ بر انقلاب و مردم کشور تحمیل شده است که لازم است همچون

دوران دفاع مقدس به مقابله و برخورد با آن پرداخت (پور صادق و قزآنی، ۱۳۹۴).

تجربه حاکمیتی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می دهد اگر مسئولان و مدیران، اعتقاد و رویکرد ارزشی، فرهنگی و جهادی نداشته باشند، مانعی بر سر راه پیشرفت و رشد انسانی و کمال جامعه خواهند بود. بنابراین مدیریت جهادی لازمه دستیابی به اهداف جامعه اسلامی و توسعه همه جانبه امور است (محمدی مقدم، ۱۳۹۸).

از واژه مکتب^۱ تعاریف و توصیف های زیادی در دانشنامه ها و فرهنگ های تخصصی ارائه شده ولی آنچه اکثر اندیشمندان و صاحب نظران حوزه علوم اجتماعی بر آن وفاق دارند شامل تعریف زیر است: مجموعه جهان بینی و باور انسان است که به تفسیر انسان و جهان می پردازد؛ هنجارهای انسانی را مشخص و معین می سازد؛ نیاز انسان را به جهان بینی برطرف کرده و در نهایت نظام ارزشی برای زیستن و چگونه زیستن ارائه می کند (دهقانی و پاشائی، ۱۳۹۹).

مکتب شهید سلیمانی یک مکتب عملیاتی است، یک مکتب جهادی است. مکتب شهید سلیمانی خود سلیمانی است. در حقیقت ظهور و بروز کلمه طَیبه ای است که این کلمه از یک اعتقاد برخوردار است و ریشه در یک اعتقاد الهی دارد. این کلمه طَیبه دارای یک فلسفه است، کلمه طَیبه و مکتب شهید سلیمانی دارای منطق، فرهنگ و معنویت است، قاعده مند است، ضابطه دارد، سبک دارد. این مکتب شهید سلیمانی با این کلمه طَیبه هر جا به صورت بذری کاشته شود تبدیل به یک درخت تناوری خواهد شد که شاخ و برگ آن در آسمان های دل های مردم و قلوب انسان ها گسترش پیدا می کند و آسمان دل ها و آسمان قلوب دل های بشری را فتح می کند. مکتب شهید سلیمانی با این کلمه طَیبه آسمانی از زمین برمی خیزد و از زمین شروع می شود و آسمان ها را فتح می کند. چون هم جنبه معنوی دارد، هم جنبه عقلانی دارد و هم جنبه عاطفی دارد (تولایی، ۱۳۹۹). لذا به جهت آشنایی با چارچوب های مستخرج از پژوهش های پیشین در موضوع مدیریت جهادی به مرور ادبیات و پژوهش های موجود در این حوزه می پردازیم:

پیشینه پژوهش

پور اسدی و نوربخش (۱۳۹۹) در مطالعه خود به نقش مدیریت جهادی در عملکرد کارکنان سازمان های امنیتی در بین کارکنان یکی از سازمان های نیروهای مسلح پرداختند. یافته های این تحقیق

^۱ School

نشان از همبستگی بالا بین متغیرهای مدیریت جهادی و تأثیر آن بر عملکرد کارکنان داشت. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیر مدیریت جهادی در جامعه مورد بررسی، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

احمدی و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "مدل مدیریت جهادی مبتنی بر سیره فرماندهان دفاع مقدس (مورد مطالعه: شهید حسین خرازی)"، به این نتیجه رسیدند که سبک مدیریت جهادی شهید خرازی، سه شاخص ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های مدیریتی و ویژگی‌های رهبری ارائه می‌کند که با استفاده از آن، می‌توان گام مهمی در مسیر طراحی الگوهای بومی و تحقق تمدن اسلامی برداشت.

معصومی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با موضوع "نقش جهاد سازندگی در دوران پس از انقلاب و دفاع مقدس به‌عنوان شاخص مدیریت جهادی" نشان داد که نهاد انقلابی جهاد سازندگی در همه زمینه‌های مدیریت جهادی می‌تواند به‌عنوان یک الگو به کار رود.

عسگری (۱۳۹۶) در رساله دکتری خود با عنوان "تحلیل تاریخی مدیریت شهید حسین خرازی در لشکر ۱۴ امام حسین (ع) طی جنگ ایران و عراق" به ابعاد گوناگون زندگی شهید خرازی و دوران فرماندهی او می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش شامل کلاس‌بندی مصاحبه‌ها و استخراج ابعاد مدیریت اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و معنوی شهید خرازی و مصادیق آن بوده است.

در پژوهش کیانی زاده و گلشنی (۱۳۹۵) "ویژگی‌های شخصیتی سیاست‌گذاران مبتنی بر مدیریت جهادی" مورد بررسی قرار گرفت که طی آن مؤلفه‌های روحیه ایثارگری، کار و تلاش مضاعف، مسئولیت‌پذیری، شایسته‌سالاری و وجدان کاری، شجاعت و قاطعیت در کارها، خودباوری، از جنس مردم بودن، قناعت و ساده‌زیستی و حسن خلق مشخص شد.

بامطالعه پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده درمی‌یابیم که اگرچه در خصوص موضوع مدیریت جهادی مطالعات گوناگونی انجام پذیرفته است، اما نگاه به سیره و الگوی مکتب مدیریت و فرماندهی فرماندهان دوره دفاع مقدس به‌ویژه شهید قاسم سلیمانی، بیشتر نگاهی روایتی بوده است که از حیث چارچوب نگاه در مدیریت جهادی، دچار شکاف پژوهشی است. از این رو نیازمند شناسایی و ارائه مؤلفه‌ای برای تربیت کارگزاران انقلابی و مدیران جهادی تمدن ساز هستیم.

روش پژوهش

در این پژوهش به منظور تعیین مشخصه‌های مدیریت جهادی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی بر اساس روش کتابخانه‌ای (زندگینامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید) اطلاعات گردآوری شده است.

گام اول: تنظیم سؤالات پژوهش: اولین مرحله از این پژوهش، تنظیم سؤالات پژوهشی است. هدف اصلی این پژوهش تعیین و شناسایی مشخصه‌های مدیریت جهادی در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی است.

گام دوم: مرور ادبیات به صورت نظام‌مند: در پژوهش حاضر منابع مورد نظر از طریق پایگاه‌های داده، مجلات، اجلاس‌ها و موتورهای جستجو، مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه مطالعات دست‌یافتنی در زمینه مدیریت جهادی در محیط‌های کاری به دست آمده از پایگاه‌های اطلاعاتی ایرانی نظیر: سیویلیکا، مگیران، SID، بانک اطلاعاتی شهید حاج قاسم سلیمانی و گوگل اسکولار است.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مناسب: پارامترهای متفاوتی مانند: عنوان، چکیده، محتوا و دسترسی برای انتخاب مقاله‌های مناسب منبع یافت شده است که به دقت تعداد ۱۳۱ مورد کتاب و مقاله و سخنرانی از نظر محتوا و کیفیت روش پژوهش، ارزیابی شده است. در این مرحله مشخص شد کدام یک متناسب با سؤالات پژوهش است؛ بنابراین مقالاتی که با سؤالات ارتباط نداشتند، کنار گذاشته شدند و در نهایت مرتبط‌ترین منابع برای پاسخ به سؤال پژوهش استخراج شد.

گام چهارم: ارائه یافته‌ها: در این مرحله، یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شود. طی مراحل این پژوهش و در نتیجه ترکیب یافته‌ها، تعداد ۲۸ مقاله از ۱۳۱ مورد منابع مکتوب مورد مطالعه قرار گرفت که شامل ۴ مؤلفه اصلی و ۱۸ مؤلفه فرعی در پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌باشد که بر اساس قرابت معنایی که بین زیرمؤلفه‌ها قرار داشت دسته‌بندی‌های مشابه صورت پذیرفت که در قسمت یافته‌های پژوهش به توضیح هر یک از این مشخصه‌ها پرداخته شده است. در جدول شماره ۱ به ارائه دسته‌بندی این مشخصه‌ها به مفاهیم مربوطه پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

پدیده شکفت‌انگیز و معجزه الهی - انسانی و موهبت الهام گونه که در سایه ولایت و برکت جهاد و شهادت در جبهه‌ها شکل گرفت و ما آن را به تعبیر قرآنی در سوره مبارکه عصر، "تواصی" می‌نامیم، یک طیف متنوع از رویکردها و فعالیت‌هایی است که انواع انگیزه‌های رقابتی را به تعاون و همکاری تبدیل نموده و این تعاون و همکاری را با تکیه بر مدیریت جهادی در مسیر رشد و بالندگی و مهارت‌های فردی و جمعی، تکامل داده و به کار می‌گیرد (رضایی، به نقل از مزد آبادی؛ ۱۳۹۹).

مدیریت جهادی حاج قاسم، یکی از نمونه‌های موفق مکتب مدیریت جهادی دفاع مقدس است که بیشترین ویژگی‌های مثبت مدیریت جهادی در آن هویدا است. قاسم سلیمانی علاوه بر پیروزی در صحنه‌های جهاد نظامی که مستلزم اقناع نیروهای تحت امر و ایجاد هماهنگی در جبهه خودی است، در فرصتی که برای او پدید می‌آید در جهاد سیاسی و گفت‌وگوهای سیاسی، نظامی که مستلزم اقناع و نمایش همگرایی و جلب هم‌راستایی رهبران سیاسی جهان است نیز توانایی خود را نشان می‌دهد و می‌بینیم که در گفت‌وگو با رهبرانی همچون پوتین، اردوغان، بشار اسد و...، توفیق می‌یابد. با بررسی اثر متقابل قاسم سلیمانی‌ها و دفاع مقدس، به نظر می‌رسد دفاع هشت‌ساله ما، تابلوی زیبایی از فرمایش پیامبر اسلام (ص) است که فرمود: "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة"؛ ما به یکدیگر می‌آموختیم و از یکدیگر یاد می‌گرفتیم؛ در حقیقت، ما یکدیگر را می‌ساختیم. این چنین است که می‌گوییم قاسم سلیمانی، هم تربیت‌شده دفاع مقدس و هم یکی از مربیان دفاع مقدس است. او در دفاع مقدس از طرفی، ایفای نقش می‌کند و از سوی دیگر، به طراحی نقش می‌پردازد (همان منبع).

بر اساس تحلیل‌های انجام شده در پیشینه پژوهش و تحقیقات صورت گرفته؛ می‌توان مشخصه‌های زیر را برای مدیریت جهادی مکتب حاج قاسم سلیمانی در نظر گرفت و سپس به تشریح هر یک از ابعاد خواهیم پرداخت؛ لازم به ذکر این است که این دسته‌بندی‌ها بر اساس قرابت معنایی مشخص‌های گردآوری شده انجام شده و مفاهیمی که دارای قرابت نزدیک تری به هم هستند در یک طبقه (مشخصه) قرار گرفته و سپس برای آن مشخصه؛ نامگذاری متناسب با معنای آن انجام شده است:

^۱ و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

جدول شماره ۱: مشخصه‌های مدیریت جهادی مکتب شهید حاج قاسم

درصد	فراوانی	مفاهیم	مشخصه
۴,۴۱	۳	مردمی بودن	مشخصه اجتماعی-فرهنگی
۷,۳۵	۵	مسئولیت پذیری در برابر دیگران	
۵,۸۸	۴	اثرگذاری در بیان	
۴,۴۱	۳	الگو بودن برای دیگران	
۲,۹۴	۲	متواضع بودن	مشخصه اعتقادی-اخلاقی
۲,۹۴	۲	ایمان و توکل	
۴,۴۱	۳	اخلاص در عمل	
۲,۹۴	۲	میل به شهادت در راه خدا	
۵,۸۸	۴	آرامش بسیار زیاد	
۷,۳۵	۵	خستگی ناپذیری	
۷,۳۵	۵	ولایت مداری	مشخصه تفکری-بینشی
۵,۸۸	۴	تفکر تحلیلی	
۸,۸۲	۶	درک درست از شناخت دشمن	
۲,۹۴	۲	هدفمندی	
۵,۸۸	۴	توانمندی	مشخصه میدانی-عملیاتی
۷,۳۵	۵	نترسیدن از خطرها	
۷,۳۵	۵	شجاعت در نبرد	
۵,۸۸	۴	حضور مستمر در میدان نبرد	
۱۰۰	۶۸	مجموع	

مشخصه‌های اعتقادی - اخلاقی

توکل بر خدا:

طبق بیانات رهبر انقلاب؛ می‌بایست در همه‌ی کارها توکل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی کنیم؛ به کمک‌های الهی اعتماد کنیم. وقتی شما از خدای متعال کمک می‌خواهید، راه‌ها به سوی شما باز می‌شود: "و من یتق الله يجعل له مخرجا، و یرزقه من حیث لایحتسب"^۱. این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکل‌های مختلفی به من و شما می‌رسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشید، راهی باز می‌شود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافر در دل شما به وجود می‌آید؛ این همان رزق

^۱ سوره طلاق - آیه ۳

الهی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

با نگاهی کلی، پای بندی به ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، بلندترین و لطیف‌ترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته است که دل را روشن، امیدوار و خوش بین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. انسان مؤمن در مصائب و سختی‌ها، آرامش روانی دارد؛ زیرا از سویی خود را دارای تکیه‌گاهی محکم و پناهگاهی امن می‌داند و از این احساس، نیرو و نشاط می‌گیرد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ و از سوی دیگر در برابر پیشامدهای ناگوار، شکیبایی می‌کند و پاداش الهی را در مقابل خویش می‌بیند: «أَنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۲. چنین انسانی این سختی‌ها را زودگذر می‌داند و در انتظار سعادت حتمی و جاودانی به سر می‌برد (رضائیان، ۱۳۹۹).

سردار سپهبد شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت و از ایشان الگو گرفت. داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانت‌دار، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه دادن به دیگران و یاری کردن مردان خدا، پاک دستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم کردن به عدالت را می‌توان در جزء به جزء زندگی این شهید مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش می‌برد، بی آنکه ذره‌ای ترس یا تردید به خود راه دهد. سردار سلیمانی، در حقیقت بسیار شبیه صعصعه بن صوحان، صحابی خاص امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود؛ حَفِيفَ الْمَوْنَةِ وَ كَثِيرَ الْمَعُونَةِ ؛ مردی سبک بار و کم هزینه، اما بسیار کمک کار و پرارزش بود. امروز بهتر و بیشتر مفهوم این فرمایش امام خمینی (ره) را درک می‌کنیم که می‌فرمود: «شهادت، هنر مردان خداست». به واقع سردار دل‌ها، هم مرد خدا و هم الگویی بی نظیر بود. لحظه لحظه زندگی اش با هنر خداشناسی و حضور در محضر پروردگار گذشت. رفتارهایش، سخنانش و عملکردش، گویای این هنرمندی بی بدیل او بود (همان منبع).

حاج قاسم یک انسان به تمام معنا مخلص بود. من بارها می‌دیدم که حاج قاسم با مطالب بیرونی کاری نداشت و اهمیتی نمی‌داد و عهدش با خودش و خدای خودش را پیش می‌برد. اینکه چه حرف‌هایی بیرون زده می‌شود یا نمی‌شود توجهی نداشت. همیشه به فکر تکلیف و وظیفه‌اش بود که خدا از او چه خواسته است؛ می‌خواهم بگویم اگر انسان هدف‌دار باشد و هدفش را خدای متعال قرار دهد، مشکلات برای وی آسان خواهد شد و راه برای وی هموار خواهد بود. حاج قاسم از روزی که با خدا و انقلاب و جبهه آشنا شد تا هنگامی که از دنیا رفت، در هر وضعیت و جایی که

^۱ سوره رعد- آیه ۲۸

^۲ سوره زمر- آیه ۱۰

بود نماز شب او ترک نشد. من برخی سفرها با حاج قاسم همراه بودم ساعت ۲ و ۳ شب که می رسیدیم من خودم می خوابیدم و نماز صبح بیدار می شدم ولی خدا رحمت کند آقای صفری که همراه ما بود می گفت: حاج قاسم که شب نخواید همه اش عبادت کرد و معلوم نیست چطور فردا به امورش می رسد. ولی با اینکه نمی خوابید، خسته نمی شد. خداوند قدرتی در حاج قاسم قرار داده بود که حتی ۳ شبانه روز هم عملیات بود نمی خوابید و باز روز بعدی که کاری بود برای انجام آن می دوید. حاج قاسم نماز شبش خم و راست شدن نبود، توأم با راز نیاز و مناجات بود (سعادت نژاد، ۱۳۹۹).

ولایت مداری:

در وصیت نامه سردار سلیمانی توجه به ولایت مداری موج می زند و می توان گفت نقطه مشترک مورد تأکید حاج قاسم به تمامی افراد مطرح شده در وصیت نامه اش موضوع ولایت مداری است. سردار دل ها در فراز نخست وصیت نامه اش ، استمرار ولایت فقیه در مبارزات ممتد سردار سلیمانی را بیان می کند و فراز پایانی نشان از «دغدغه محوری» شهید تا واپسین روزهای او را دارد. از نظر او نه فقط آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء و محوریت ولایت فقیه است. از این رو اگر نظام مبتنی بر ولایت فقیه آسیب ببیند حرمین در مکه و مدینه و حرمین در قدس و الخلیل از بین می روند. بر این اساس می توان گفت هیچ چیز در اندیشه و سیره سردار شهید سلیمانی عزیز به اهمیت و برجستگی ولایت فقیه و تبعیت مسلمانان از ولی فقیه نبوده است (زارعی، ۱۳۹۸).

سردار بزرگ اسلام، به غایت ولایت مدار بود که به رهبر و مقتدایش عشق می ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا، نه فقط از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی، بلکه فراتر بود. از جنبه اعتقادی نیز سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت ها و اعمال او تعقیب کننده خط ولایت محسوب می شود. از همین رو بود که می فرمود: آدم ها می آیند و می روند. قاسم سلیمانی می رود، قاسم سلیمانی دیگری می آید. احزاب و جریان ها اصل نیستند. اصول را توجه کنیم. اگر می خواهیم جامعه ما به وحدت حقیقی برسد، باید در همه سطوح به اصول توجه کنیم. اصل اساسی نگاه دارنده این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جان مان، با خون مان، در همه آحاد از آن دفاع کنیم. جان مان را می دهیم و هزاران بار می دهیم. سردار سلیمانی در وصیت نامه خویش نیز می فرماید: « از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید » (رضائیان، ۱۳۹۹). با تأملی بر رفتار سیاسی حاج قاسم درمی یابیم که ایشان در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم بندی ها نبود؛ اما بشدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی گری، خط قرمز قطعی

او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود؛ برخی سعی نکنند که این واقعیت‌ها را کم‌رنگ کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

سخت‌کوشی:

برادرمان قاسم سلیمانی در حقیقت تماماً تربیت‌شده انقلاب و مخصوصاً دفاع مقدس بود. یک جوان ۲۱ ساله‌ای که وقتی وارد دفاع مقدس می‌شود، همه‌ی شخصیتش جهادی شکل می‌گیرد. از رده‌های بسیار پایین، مثل فرماندهی گردان در عملیات طریق‌القدس در آذرماه سال ۶۰ تا چند ماه بعد فرماندهی تیپ در عملیات فتح‌المبین در دی‌ماه سال ۶۰ را بر عهده می‌گیرد و تا فرماندهی لشکر پیش می‌رود و تمام فنون و علوم دفاع مقدس را یاد می‌گیرد. لذا ایشان یک انسان کاملاً تربیت‌شده دفاع مقدس و انقلاب اسلامی بود و اخلاق و روحیاتش در فضای ادبیات و روحیات حضرت امام (ره) شکل گرفت. البته بر روی خودش هم خیلی کار می‌کرد، و زحمت می‌کشید و به عبادات، زیارات و نمازهایش توجه داشت که برای رسیدن به چنین مقامی بسیار مؤثر بود (رضائی، ۱۳۹۸).

او مردی نستوه و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ مشکلی نهراسید و هیچ‌گاه دچار رخوت و سستی و رکود نشد، به‌غایت ساعی و تلاش‌گر بود و به آسایش خویش نمی‌اندیشید. علیرغم اینکه در چند عملیات مجروح شد اما همچنان بر بازگشت به جبهه پای می‌فشرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی بازمی‌گشت. برای کسی که عمر پربرکت خویش را در جنگ و جهاد گذرانده باشد شاید توجه در پیش گرفتن یک زندگی آرام و بی‌دغدغه کاملاً پذیرفتنی باشد. اما روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود (دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۸).

سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. حاج قاسم، بارها آرزوی شهادت می‌کرد و حقاً خداوند، مجاهدات او را با شهادتش، ارج نهاد. شهادت، پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

مشخصه‌های تفکری - بینشی

دشمن‌شناسی:

شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه، قوی‌ترین فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم در منطقه است، به همین عنوان هم شناخته‌شده است. کدام فرمانده دیگر قدرت داشت و می‌توانست کارهایی را که او انجام داد انجام بدهد؟ به یک منطقه‌ای که در محاصره‌ی ۳۶۰ درجه‌ای دشمن است، شهید سلیمانی با بالگرد وارد این منطقه می‌شود، در محاصره‌ی کامل دشمن، جوان‌های خوبی در آن منطقه هستند که دست‌تنها هستند، فرمانده‌ای ندارند، چشمشان که به حاج قاسم سلیمانی می‌افتد، جان پیدا می‌کنند، روحیه پیدا می‌کنند، انگیزه پیدا می‌کنند، محاصره را از بین می‌برند و دشمن را متواری می‌کنند و

فراری می دهند؛ چه کسی می تواند این کارها را انجام بدهد؟ (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸).
از سویی دیگر هیچ کس در روزهای اول حضور منطقه در آمریکا از سال ۲۰۰۰ باور نمی کرد که بتوان آمریکا را شکست داد. اما شهید سلیمانی توانست خط بطلانی بر تصویر شکست ناپذیری آمریکا ترسیم کرده و آن ها را در منطقه با شکستی بزرگ مواجه کند. به همین دلیل بود که ترامپ در مناظرات انتخابی سال ۲۰۱۶ میلادی آمریکا خطاب به رقیب خود خانم کلینتون گفت «ما ۶ تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کردیم و چیزی به دست نیاوردیم!» البته الآن خود ترامپ هم در همین منجلاب افتاده است.

ملاحظه می شود در این فرآیند دشمن شناسی، با شناسایی وضعیت موجود، هدف گذاری مناسبی از موقعیت مطلوب انجام می شود؛ برای دستیابی به آن اهداف لایه بعد طراحی می شوند؛ مجدداً نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید برای تحقق اهداف مزبور تحلیل می شوند؛ اشکالات شناسایی می - شوند؛ راهکارهای برون رفت از تهدیدها مشخص می شوند؛ عوامل پیش برنده تقویت فرصت ها تجزیه و تحلیل می شوند؛ سناریوهای مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و به طور مرتب و مستمر رصد و پایش می شوند و در نهایت تصمیم گیری شده و به اجرا درمی آید. در نتیجه چنین رویکردی است که در عراق به رغم بالا بودن سطح تنش، هیچ برخورد نظامی بین ما و آمریکایی ها شکل نگرفت. در واقع شهید سلیمانی با نگرش کلان نگر خود به جای عملیات نظامی مجموعه ای از اقدامات مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، مردمی و عملیات روانی پی ریزی کرد که در نتیجه آن شکست آمریکایی ها در منطقه در فرآیندی تدریجی رقم خورد (همان منبع)؛ لذا وقتی نگاه می کنید می بینید که سردار سلیمانی برای تولید قدرت مقابل آمریکایی ها، با فکر و اندیشه و نگاه جامع و کامل و همه جانبه به سمت دشمن رفت و دشمن را در تحقق استراتژی هایش به شکست کشاند و در نهایت راهبرد خود را به او تحمیل کرد (مبینی دهکردی، ۱۳۹۹).

از این رو برای اینکه خون حاج قاسم و مکتب ایشان در دنیا جاری شود و با شهادتش خونی به رگ های مجاهدان جهان اسلام و مقاومت تزریق کند، اراده الهی بر این بود که حاج قاسم به دست شقی ترین، نامردترین، فاسدترین و مزدورترین کسی که خود را کدخدای دنیا می خواند به شهادت برسد و با شهادت حاج قاسم یک انقلاب جهانی صورت گیرد .

تفکر راهبردی:

حاج قاسم یک شخصیت جامع الاطراف بود. بسیاری تصورشان این است که ایشان تنها یک شخصیت نظامی بود در صورتی که حاج قاسم نظامی صرف نبود؛ بلکه در مباحث سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حتی در مباحث اقتصادی صاحب فکر و نظر بود و پروژه های متعددی را نه تنها برای سپاه و نیروی قدس بلکه برای نظام و جمهوری اسلامی در عراق و سایر کشورها ایشان شخصاً مدیریت و

هدایت می‌کرد. به‌عنوان نمونه در سفر معاون اول رئیس‌جمهور به عراق که باهدف انعقاد چند تفاهم-نامه انجام شده بود نه طرف ایرانی و نه طرف عراقی آمادگی و زمینه لازم را برای یک بحث قوی و بنیادی در این خصوص نداشتند. وقتی موضوع به شهید سلیمانی اطلاع داده شد ایشان باآنکه در دمشق، مشغول هدایت عملیات نبرد با داعش بود بلافاصله عازم عراق شد و شخصاً تنظیم یازده یا دوازده معاهده را مدیریت کرد و بعد از امضای آن‌ها به سوریه بازگشت. افراد اندکی از این توانمندی‌های شهید سلیمانی مطلع می‌باشند و می‌دانند در شرایطی که حتی دولتمردان در حوزه دیپلماسی کم می‌آوردند، ایشان وارد می‌شد و مسائل مختلفی را حل می‌کرد. ما به دلیل جایگاه نظامی و مسئولیت ایشان در سپاه، بیشتر باشخصیت نظامی ایشان آشنایی داریم؛ ولی واقعیت آن است که توانمندی‌های ایشان در جنبه‌های دیگر کمتر از جنبه‌های نظامی نبوده است. ایشان شخصیتی بود که هم مسائل جزئی و هم مسائل کلان را به‌خوبی تشخیص داده و ارتباط منطقی و موضوعی بین آن‌ها را نیز درک می‌نمود. برای تحلیل تحولات عظیمی که توسط شهید سلیمانی در منطقه ایجاد شده است باید با شناختی کامل از رخدادهای مدیریتی ایشان و کشف روابط بین این رخدادهای روندهای حاکم بر آن پی برد، یعنی از مجموع رخدادهای مزبور، روندهای اصلی ایجاد شده و از مجموع این روندها تحولات بنیادین شکل می‌گیرد. سردار سلیمانی ارتباطات را هم با هوشمندی شناسایی و تشخیص داده و هم به شکلی عمیق آن‌ها درک می‌کرد. او فهمی عمیق و کارشناسانه از واقعیت‌های موجود در محیط مأموریت خود داشت و بر اساس آن به طراحی عملیات مبادرت می‌کرد؛ عملیات را به اجرا می‌گذاشت و از اجرای عملیات بازخورد می‌گرفت (مبینی دهکردی، ۱۳۹۹).

همین نگاه راهبردی، با مدیریت مناسب، کشور عراق را که خاستگاه اصلی آمریکا در منطقه بود و می‌توانست بستر مناسبی برای حمله نظامی آمریکا به عراق محسوب شود به فرصتی برای جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. این مسائل قطعاً باب میل و اراده آمریکایی‌ها نیست؛ بلکه نتیجه اراده جبهه انقلاب اسلامی است. کما آن‌که رهبر انقلاب معتقدند طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا به خاورمیانه اسلامی تبدیل شده است. این موفقیت‌ها نشأت گرفته از تمرکز بر اهداف است (همان منبع).

مشخصه‌های اجتماعی- فرهنگی؛

مردمی بودن:

حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران بود. مردم تلاش‌های او را دیدند و دوستش داشتند. او کارش را به‌خوبی انجام می‌داد. مردم در این سال‌ها فقط شعار دیده بودند اما سلیمانی به‌خوبی نشان داد که چگونه می‌شود حرف‌ها را به عمل تبدیل کرد؛ داستان داعش نمونه خوبی از این ماجرا است. داعش آمده بود تا ریشه ایران و شیعه را بزند، اما سردار ایرانی به‌خوبی جلوی آن‌ها ایستاد و اجازه نداد وحشی‌های تروریست داعش، خراشی را به روی گربه زیبای ایران بیاندازند. سلیمانی حتی

دست آن‌ها را از عراق و سوریه هم کوتاه کرد (داننده، ۱۳۹۸).

نکته دیگر این است که سردار سلیمانی وارد بازی‌های سیاسی معمول ایران نشد. او لباس نظامی خود را به سیاست آلوده نکرد و به خاطر همین محبوب همه جناح‌های سیاسی ایران بود. بیانیه‌های دو جریان اصلاح طلب و اصول‌گرا در مورد قاسم سلیمانی را بخوانید تا متوجه راز این محبوبیت شوید. قاسم سلیمانی به همه آن‌هایی که مسئولیتی در کشور دارند در هر لباس و جایگاهی، یاد داد چگونه می‌شود محبوب مردم بود. سلیمانی از آدم‌هایی بود که خوی دوران جبهه و ابتدای انقلاب که فداکاری و از خودگذشتگی بود را با خود به دهه ۹۰ آورده بود. خوی و خصلتی که تا حدودی فراموش شده و به کناری گذاشته شده بود.

سردار قاسم سلیمانی خیلی‌ها را عاشق خود کرده بود. امروز ایران سیاه‌پوش سردار دوست‌داشتنی است که به نظر می‌رسد تا سال‌ها هیچ کس نتواند جای او را در قلب ایرانی‌ها بگیرد. در توصیف او باید گفت: «سلاما علی من حاربوا الیل و عند الصبح بالاکفان قد عادوا...» سلام بر کسانی که شب را می‌جنگند و صبح هنگام، با کفن باز می‌گردند (همان منبع).

مسئولیت پذیری:

هنگامی که وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی را می‌خوانیم، در مقابل یک شخصیت عاشق و مسئولیت‌پذیر قرار می‌گیریم که برای سربلندی ملتش و نیز لقاءالله تلاش می‌کرد. از نظر سردار نوعی اقدام که هم‌رزم ایشان در جبهه مقاومت بودند، وقتی سردار سلیمانی می‌گوید فرماندهی نبود و امامت بود، دقیقا این در جبهه‌ها عینیت داشت. امامت بود و ما تبعیت و اطاعت قلبی می‌کردیم. ما این‌ها را مصباح‌الهدی و سفینه‌النجاة متصل به عاشورا می‌دانستیم. ما این‌ها را پله‌های اول رسیدن به مقتداایمان حضرت ابوالفضل‌الحسین علیه‌السلام می‌دانستیم، نگاه ما این چنین بود. من هیچ موقع احساس نکردم که شهید سلیمانی در شرایط بحرانی و سخت میدان جنگ بترسد. اصلاً این‌ها نمی‌ترسیدند. در بحرانی‌ترین شرایط آرامش داشتند. رهبر معظم انقلاب هم به این نکته اشاره کردند. من در بحران‌ها هم کنار شهید باکری و هم کنار شهید سلیمانی بودم. هیچ موقع ندیدم فشار دشمن، سختی کار، فشار کار، مشکلات، تهدیدات و در محاصره افتادن‌ها باعث بشود که این‌ها حرکات و رفتارهای هیجانی غیرمعمول از خودشان نشان بدهند. آرامش و سکینه‌ی قلبی عجیبی داشتند. سردار سلیمانی هیچ وقت نمی‌گفت برو بلکه همیشه می‌گفت بیا و در نوک پیکان حمله بود، همیشه در خط مقدم و اول صف و در کنار بچه‌ها بود. من حاج قاسم را بارها در بحران‌ها و سختی‌ها در خط مقدم و در درگیری‌های بسیار سختی دیده‌ام. خیلی از نیروها در آن شرایط آسیب می‌دیدند و تیر و ترکش می‌خوردند، ولی هیچ اتفاقی برای حاج قاسم نمی‌افتاد. اصلاً این موضوع برای من یک معما شده بود تا اینکه وقتی شهید شد من متوجه شدم که اراده‌ی الهی بر این بوده است که حاج قاسم در هیچ کدام از آن بحران‌ها

و عملیات‌ها اتفاقی برایش نیفتد (نوعی اقدام، ۱۳۹۸).

مشخصه‌های میدانی - عملیاتی

شجاعت در نبرد

شجاعت این شهید بزرگوار به اندازه‌ای بود که در قلب دشمن می‌رفت. از روز اولی که دولت سوریه تقاضا کرد که جمهوری اسلامی ایران به کمکش بیاید، مقام معظم رهبری به شهید سلیمانی امر فرمودند این کار خطیر را بر عهده بگیرد. با وجود اینکه مسلحین داعش و النصره و گروه‌های مختلف دیگر در چند صد متری کاخ و ریاست جمهوری سوریه بودند اما ایشان حرکت کرد و در فرودگاه دمشق که منطقه‌ای ناامن بود رفت. در این مسیر باید بیش از ۲۰ کیلومتر حرکت می‌کرد تا به کاخ ریاست جمهوری برسد. این مسیر خطرناک بود اما ایشان با تابعیت از ولایت حرکت کرد و رفت و از فرودگاه دمشق شروع به آزادسازی شهر، از لوٹ وجود مسلحین کرد. ایشان نه تنها در سوریه بلکه در جبهه‌های مختلف وقتی خودشان حضور پیدا می‌کردند در خط اول می‌رفتند و نزدیک‌ترین محل به دشمن حاضر می‌شدند و با شناخت و اشرافیت کامل به طراحی عملیات می‌پرداختند. این امر نشان‌دهنده شجاعتشان بود و این شجاعت را به دیگران انتقال می‌داد (پور جوادی، ۱۳۹۸).

سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی در صفوف مقدم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید. او یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریست داعش و اشباحش در سوریه و عراق بود. آمریکایی‌ها بدون اینکه جرئت کنند با وی در نبرد روبه‌رو شوند، بزدلانه با هواپیما به او که به دعوت دولت عراق در فرودگاه بغداد بود، حمله کردند و خون مطهر او و همراهانش را بر زمین ریختند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸).

نترسیدن از خطرها

شهید قاسم سلیمانی، چهره‌ای بین‌المللی بود که نقش وی در فرونشاندن توطئه‌های منطقه‌ای بر کسی پوشیده نیست؛ آن زمان که دولت‌های عراق و سوریه از دست داعش به تنگ آمده بودند و هر آن بیم سقوط آن‌ها به دست این گروه تروریستی می‌رفت، این قاسم سلیمانی بود که شبانه و بی‌هیچ هیاهویی به بغداد و ساعاتی بعد به دمشق رفت و با فرماندهی متمرکز در همان ساعات اولیه، داعش را عقب راند و با بسیج نیروهای مردمی طومار آن‌ها را درهم پیچید. آن چنانکه حتی خالقان داعش، در خفا و آشکار سلیمانی را تحسین کردند، ولی چون او را مانعی بزرگ برای اجرای نقشه‌های شوم استعماری خود می‌دانستند، با اقدامی تروریستی او را ناجوانمردانه به شهادت رساندند. اما شهادت وی پایان کار نبود؛ بلکه تشییع باشکوه این سردار سرافراز اسلام در عراق و ایران و تکریم بی‌نظیر او به وسیله توده‌های مردمی در ایران و جهان سرآغازی شد برای شناخت این اسطوره مدیریتی فراموش‌نشده (مقیمی، ۱۳۹۸).

نتیجه گیری

مطابق فرمایش مقام معظم رهبری، همت جهادی و مدیریت جهادی را با حرکت عادی نمی-توان پیش ببریم؛ با حرکت عادی و احياناً خواب‌آلوده و بی حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک‌همت جهادی لازم است، تحریک جهادی و مدیریت جهادی برای انجام کارها لازم است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). یک مدیر مسلمان با بهره‌گیری از شاخص‌های مدیریتی شناسایی شده در مکتب شهید قاسم سلیمانی که شامل مشخصه‌های (اجتماعی- فرهنگی، اعتقادی- اخلاقی، تفکری- بینشی و میدانی- عملیاتی) است، می‌تواند به مدیریت تعریف تازه‌ای ببخشد و مفهوم مدیریت جهادی را به وجود می‌آورد. از این رو برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی و بدون دخالت بیگانگان، باید مدیران جهادی و با صفات مبتنی بر ارزش‌های انقلابی و جهادی داشته باشیم و با تکیه بر توانایی‌های این مدیران، بتوانیم مدیریت‌های مؤثر و جهادی در نهادهای انقلابی، ایجاد نماییم.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دارا بودن صفای باطن و مهربانی و لطافت روحی در کنار صلابت و حماسه‌سازی که سردار سلیمانی در میدان جنگ نسبت به دشمنان داشت، ترکیب زیبایی می‌آفریند. وقتی فردی معتقد به جهاد شد، در همه‌ی میدان‌ها پیشرو است. جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست؛ مدیریت جهادی این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با مانع‌ها ببیند و احساس تکلیف و تعهد کند. امروزه ما به دنبال خوب انجام دادن کار خود هستیم تا نتوان ایرادی بر آن وارد کرد؛ این خوب است اما بهتر آن است که وظیفه و تکلیف خود را بشناسیم و رضای خداوند را در امور در نظر بگیریم. سنت الهی آن است که اگر رابطه با خداوند اصلاح شود، خداوند هم رابطه انسان را با مردم، سازمان و محیط زندگی اصلاح می‌کند. سردار سلیمانی به دنبال تحقق اهداف والا و تکلیف‌گرایی بود؛ رضایت خداوند و اهل بیت را اصل می‌دانست و وظایف بر عهده خود را فراتر از وظایف سازمانی تلقی می‌کرد. در سبک مدیریتی سردار سلیمانی نگاه ایشان به مجموعه‌های زیردست و به‌طور کلی انسان‌ها از منظر انسانیت بود و به دلیل انسان بودن به آن‌ها احترام می‌گذاشت. سردار سلیمانی نگاه ابزاری نداشت؛ نتیجه آن شد که نیروهای تحت امر وی دیگر نگران پست، مقام و موقعیت سازمانی خود نبودند بلکه تمام تلاش خود را برای تحقق اهداف مقدس به کار می‌بردند. هم‌چنین با چنین بینشی، نیروها هنگام تحقق اهداف مقدس احساس رضایتمندی، استغنا، مفید بودن و مؤثر بودن می‌کنند که بالاترین دستمزد برای

یک فرد، یک مجموعه یا سازمان، احساس اغنای درونی و بیرونی است؛ این که انسان شاهد اثرگذاری خویش باشد خیلی لذت بخش تر از آن است که شبانه روز تلاش کند اما این تلاش ها درک نشود و نهایتاً در یک رقابت باطل حذف شود. از این قسم اتفاقات برای سردار سلیمانی نیز زیاد بود اما به دلیل رویکرد متفاوت ایشان منفعت طلبان فرصت سوءاستفاده پیدا نکردند (مبینی دهکردی، ۱۳۹۹).

لذا می توان مشاهده نمود که این رویکرد مدیریتی دارای یک اصل محوری و بنیادی است که آن تأکید تام بر معنویت و ارزش های اخلاقی _ اسلامی و انسانی است. در واقع، مدیریت جهادی بدون معنویت وجود نخواهد داشت. امروزه، با پیشرفت های علم مدیریت، تأثیر معنوی تر شاخص های کارآمدی، کارایی، سالم سازمانی، خدمت دهی مناسب، بهره وری، تکریم و... به اثبات رسیده است. (بوداقی و شادی، ۱۳۹۳).

در این پژوهش، تلاش شد با توجه به نقش و تأثیر بی بدیل شهید قاسم سلیمانی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و تأثیرگذاری ایشان در منطقه و جنوب غرب آسیا نشان دهیم که مکتب مدیریت جهادی این شهید بزرگوار، مکتبی جامع و کامل است و فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره ایشان مبنی بر اینکه: «به شهید حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم»، مؤید مطالب ذکر شده است.

پیشنهاد:

باید در نظر داشت که مشخصه ها و ابعاد فردی؛ اجتماعی؛ عبادی؛ سیاسی؛ بین المللی این شهید بزرگوار بسیار گسترده بوده و یقیناً در این نوشتار صرفاً بر اساس مطالعات صورت گرفته و تحلیل این مطالعات؛ مشخصه های فوق الذکر احصاء و ارائه شده است؛ لذا پیشنهاد می شود محققین؛ دانشجویان تحصیلات تکمیلی و صاحبان اندیشه؛ با روش های مختلف کیفی و کمی ابعاد این شهید بزرگوار را مورد مذاقه قرار داده و ضمن واکاوی سایر مشخصه های احتمالی؛ به غنی تر شدن و کامل شدن این ابعاد اقدام کرده تا این شهید والامقام که دست پروده نظام مترقی ولایت فقیه و مکتب اسلامی تشیع می باشند؛ هر چه بیشتر شناخته و به جامعه ایرانی و جهانی شناسانده شود.

انسانی، دانشگاه اصفهان. اصفهان

- علم الهدی، جمیله (۱۳۹۸). مکتب شهید سلیمانی؛ قله دستاوردهای معنوی و انسانی انقلاب اسلامی؛ قابل دسترسی در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترسی به آدرس:
<https://sccr.ir/News/10037/1>
- فیروزآبادی، حسن (۱۳۹۰). *از جهاد تا جهاد*، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی .
- کیانی زاده، میثم؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). شناسایی ویژگی های شخصیتی سیاستگذاران عمومی مبتنی بر مدیریت جهادی، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۹ (۷۲) ۵۸ - ۷۰.
- محمد ظاهری، محمد. (۱۳۹۹). ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهد قاسم سلیمانی. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۸ (۱)، ۴۶-۲۱.
- مزدآبادی، علی (۱۳۹۹). *حاج قاسم (جستاری در خاطرات حاج قاسم سلیمانی)*. انتشارات یا زهرا.
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۳). *بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مینا*، قابل دسترسی در سایت:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26284>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۲). *بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی*، قابل دسترسی در سایت:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۲). *بیانات در دیدار با مسئولان نظام*، قابل دسترسی در سایت:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23175>
- مجیدی، حسن (۱۳۹۸). *ویژگی های شخصیتی، هویتی و مدیریتی شهید حاج قاسم سلیمانی*. اداره پژوهش های سیاسی صداوسیما.
- محمدی مقدم، یوسف. (۱۳۹۸). ارائه چارچوب سیستم های نرم در راستای پیشگیری از جرم با رویکرد مدیریت جهادی. *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱۱ (۴) ۴۶-۲۵.
- معصومی، جواد (۱۳۹۴). *جهاد سازندگی در دوران پس از انقلاب و دفاع مقدس به عنوان شاخصی از مدیریت جهادی*، مجموعه مقالات اولین همایش علمی مدیریت جهادی.
- مقیمی، سید محمد. (۱۳۹۸). سخن سردبیر (مدیریت بر مبنای اخلاص؛ جوهره مکتب شهید سلیمانی). *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۷ (۳) ۱۲-۵.
- مبینی دهکردی، عبدالله. (۱۳۹۹) *گفتار پژوهی: شاخص های مدیریت راهبردی شهید سلیمانی برای تولید قدرت*. دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- نوعی اقدم، رحیم (۱۳۹۸). *پنج ویژگی مشترک «شهید باکری» و «شهید سلیمانی»*، قابل دسترسی در سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=45161>